چگونه می‌توان اسرائیل را از حمله به رفح باز داشت؟[1]

عصام نعمان[2]

نتانیاهو با صدای بلند، شبانه روز، به صورت صوتی و تصویری در مواجهه با آنتونی بلینکن اعلام کرد: "هیچ راهی برای شکست دادن حماس بدون ورود به رفح و از بین بردن بقایای گردان‌های آن در آنجا وجود ندارد و امیدوارم با حمایت آمریکا این کار انجام شود، اما اگر مجبور شویم این کار را خودمان به تنهایی انجام خواهیم داد."

آمریکا با تهاجم اسرائیل به رفح مخالفت نمی‌کند، بلکه با ارائه کمک های بشردوستانه به فلسطینی‌ها و وانمود کردن به مخالفت با آوارگی آنها تظاهر می‌کند که می‌خواهد به میلیون‌ها فلسطینی گرسنه و تشنه‌ای که در اطراف رفح حضور دارند، رحم کند.

مذاکرات در دوحه به خاطر ناسازگاری اسرائیل و اصرار حماس بر همراه کردن آتش بس با آتش بس دائمی و خروج کامل نیروهای اسرائیلی از نوار غزه، با شکست مواجه شد. لذا با شکست تلاش‌ها برای صلح، این سؤال به میان آمده: "آیا نتانیاهو بر حمله به رفح پافشاری خواهد کرد؟"

به احتمال زیاد او چنین خواهد کرد. نه تنها به این دلیل که آمریکا همچنان مشتاق حمایت از او است، بلکه به این دلیل که او نیز مانند اکثریت شورای جنگ خود احساس می‌کند که رژیم صهیونیستی پس از طوفان الاقصی و همگرایی گروه‌های مقاومت فلسطینی، با این چالش مواجه است که محور مقاومت چه خواهد کرد؟ در این شرایط و با وجود چالش های فزاینده، من در یک جلسه اندیشه ورزی به همراه چهار متفکذ مبارز شرکت کردم که برای برون رفت از وضعیت اسفبار و پیچیده و چالش‌هایی که جهان عرب به طور عام و مردم فلسطین به طور خاص با آن روبرو هستند چه باید کرد؟ هر یک از شرکت کنندگان، تصور خود و روندی را طی بحث ارائه کردند و من با ارائه بعضی از نظرات و ملاحظات جمع بندی آن را برای علاقه مندان ارائه می‌دهم.

اولین شرکت کننده که یک استاد دانشگاه بود، معتقد بود که تصمیم گیرندگان در جهان عرب از نظر روانی، سیاسی و اجتماعی در رکود به سر می‌برند و باور دارند که موازنه قوا در منطقه غرب آسیا عموماً به نفع منافع آمریکا میل می‌کند لذا جهان عرب از مخالفت با آن دوری می‌کنند زیرا ممکن است منجر به تداوم تجاوز اسرائیل شود. نتیجه اینکه در آینده‌ی قابل پیش بینی، راهی برای خروج از وضعی که در آن هستیم وجود ندارد.

شرکت‌کننده دوم، یک روزنامه‌نگار قدیمی و مستقل، معتقد بود که جنایات وحشیانه اسرائیل و واکنش‌های خشمگینانه به آن در ایالات متحده، کانادا و کشورهای غرب اروپا و عضو ناتو، حتی با صرف نظر کردن از اعتراضات

---

[1] لینک مقاله در القدس العربی برگردان به فارسی: رضا طادی، طلبه حوزه علمیه قم

[2] حقوقدان و سیاستمدار لبنانی، نماینده اسبق پارلمان و وزیر اسبق ارتباطات لبنان

در آمریکای جنوبی، استرالیا و آسیای جنوب شرقی، اعتراض‌ها و فشارهایی را برای اسرائیل در پی داشته و این امر اسرائیل را وادار می‌کند تا در مذاکرات انعطاف تدریجی نشان دهد که این مسأله منجر به تصویب آتش‌بسی حداقل دو ماهه می‌شود که می‌تواند در چارچوب تلاش‌های انجام شده برای دستیابی به یک راه‌حل قابل قبول، تمدید شود.

سومین شرکت کننده، یک سرتیپ بازنشسته ارتش لبنان، گفت: "متاسفانه باید اعتراف کنم که حقایق و نگرانی‌های ذکر شده توسط شرکت کننده اول عمدتاً درست است. با توجه به وضعیت رکود چندوجهی در شرق جهان عرب و خلیج فارس که با چرخش موازنه قوا به نفع متحدان منطقه‌ای آمریکا و پافشاری آنها به عدم مخالفت با آن همراه است، این امر منجر به تداوم اسرائیلی شده که محدودیتی در جاه‌طلبی‌های خود و تداوم آن در نسل کشی علیه مردم فلسطین ندارد". با این حال، وی تاکید کرد که نیروهای عربی مقاومت در فلسطین، لبنان، یمن و عراق با حمایت تدارکات لجستیکی سخاوتمندانه ایران، می‌توانند رویارویی خود با اسرائیل را تشدید کنند و خسارات بیشتری به آن وارد کنند و با فشارهای بین المللی با هدف توقف جنگ، دیر یا زود آنها را وادار به تسلیم کنند.

شرکت‌کننده چهارم، متفکر و فعال سیاسی رادیکال، نظرات و تحلیل‌های سه شرکت‌کننده را درک می‌کرد، اما اصرار داشت که وضعیت جهان، به‌ویژه در منطقه غرب آسیا، از جهاتی با نظرات آن سه نفر، تفاوت دارد. از جمله:

۱- تشدید بی‌سابقه واکنش‌های همه‌جانبه در سراسر جهان علیه تجاوزات غیراخلاقی اسرائیل و حمایت گسترده از حق مردم فلسطین برای رهایی از اشغال اسرائیل و ایجاد کشور مستقل.
۲- رشد نیروهای مقاومت در فلسطین و اکثر کشورهای شام عربی به ویژه در لبنان، یمن و عراق و همبستگی سیاسی و میدانی آنها و بهره مندی لجستیکی آن‌ها از ایران در مقابله با اسرائیل، آمریکا و کشورهای غربی عضو ناتو.
۳- کاهش قدرت و نفوذ آمریکا در جهان، ظهور چین و روسیه و بروز نشانه هایی برای تقویت حمایت آن‌ها از طرف‌های جبهه مقاومت.

با توجه به این واقعیت‌ها و تحولات، شرکت‌کننده چهارم با ارائه طرح خواهان گسترش رویارویی با اسرائیل از طریق فعال کردن مقاومت در جبهه جولان اشغالی با مشارکت رزمی فعال مقاومت اسلامی لبنان (حزب‌الله)، مقاومت اسلامی عراق (کتائب حزب‌الله و دیگران)، و مقاومت حوثی ها در یمن (انصارالله) شد و در طرح خود به عوامل ایجابی زیر اشاره کرد:

- تا زمانی که رهبران سیاسی و نظامی "اسرائیل" به ضرورت شروع جنگ علیه لبنان، به ویژه در برابر حزب الله، اشاره می‌کنند، حزب الله باید اولین گروهی باشد که در صورت لزوم برای انجام عملیات پیشگیرانه برای عقب راندن اسرائیل و دفع آن آماده شود.

- حزب الله در منطقه آزاد شده جولان در میدان حضور داشته باشد و با توجه به نیروها و توانمندی هایی دارد می تواند مقاومت علیه مستعمرات صهیونیست در جولان اشغالی را تشدید کند.
- جولان اشغالی بخشی جدایی ناپذیر از سوریه است و آزادسازی آن همچنان یک هدف فوری ملی و حاکمیتی است.
- راه اندازی مقاومت در جولان نه تنها در خدمت هدف آزادسازی آن است، بلکه به مقاومت فلسطین کمک می کند تا ارتش اسرائیل فعال در جنوب نوار غزه را به خود مشغول کند و رهبری آن را وادار به عقب نشینی بیشتر تیپ های خود از نوار غزه کند. اثربخشی آن متعاقباً در بقیه نوار غزه و همچنین در کرانه باختری کاهش می یابد.
- افزایش یافتن حمایت آمریکا از متحدش یعنی اوکراین، روسیه را به تنش با نیروهای آمریکایی در شمال شرقی و جنوب شرقی سوریه سوق می‌دهد. این امر موجب می شود که افسران سوری بتوانند موشک‌های پدافند هوایی اس-۳۰۰ که هنوز در دست روسیه هستند را برای دفاع از سوریه و خنثی کردن حملات هوایی اسرائیل به کار گیرند.
- ایران می‌تواند با تامین موشک‌های بالستیک پیشرفته با قابلیت دفع نیروی هوایی اسرائیل به ارتش سوریه و گروه‌های مقاومت عراق در روند فعال‌سازی مقاومت در جولان اشغالی مشارکت کند.
- استفاده از این عوامل ترکیبی منجر به وادار کردن اسرائیل به خروج نیروهای خود از کل نوار غزه و همچنین از مزارع شبعا در لبنان خواهد شد.

با توجه به این سناریوی احتمالی، آیا اعراب آزاده نباید امیدوار باشند که راه اندازی و فعال سازی مقاومت در جولان اشغالی، دشمن صهیونیستی را از ارتکاب هولوکاست در رفح باز دارد؟